

فرهنگ مردم

دفتر چهارم

اصغر بوته‌جان

(مجموعه‌ی سروده‌های اصغر عمران)

و

برخی از طبری‌سرایان گمنام بندپی

به کوشش :

یوسف الهی؛ شهرام قلی‌پور گودرزی

اکسیر قلم



سرشناسه	: الهی، یوسف، ۱۳۵۳ - گردآورنده
عنوان و نام پدیدآور	: اصغر بوته‌جان: (مجموعه سروده‌های اصغر عمران) و برخی از طبری‌سرایان گمنام بندپی / به کوشش یوسف الهی، شهرام قلی‌پور گودرزی.
مشخصات نشر	: بابل: اکسیر قلم، ۱۳۹۷.
مشخصات ظاهری	: ۲۰۰ص؛ ۱۴/۵ × ۲۱/۵ س.م.
شابک	: 978-600-7603-84-0
وضعیت فهرست نویسی	: فیپا
موضوع	: شعر مازندرانی -- مجموعه‌ها
موضوع	: Mazandarani poetry -- Collections
موضوع	: شعر مازندرانی -- قرن ۱۳
موضوع	: Mazandarani poetry -- 19th century
موضوع	: شعر مازندرانی -- قرن ۱۳ -- ترجمه شده به فارسی
موضوع	: Mazandarani poetry -- 19th century -- Translations into Persian
موضوع	: ادبیات عامه ایرانی -- مازندرانی
موضوع	: Folk literature, Iranian -- Mazandarani
موضوع	: شعر عامه مازندرانی
موضوع	: Folk poetry, Mazandarani
شناسه افزوده	: قلی‌پور گودرزی، شهرام، ۱۳۵۲ - گردآورنده
شناسه افزوده	: عمران، اصغر، ۱۳۶۲ - ۱۳۲۹.
رده بندی کنگره	: PIR ۱۳۹۷۳۲۶۹۷۵ الف ۲۴۳/م
رده بندی دیویی	: ۴۱۰۸/۹۱۶۸
شماره کتابشناسی ملی	: ۵۱۲۲۵۶۵

به کوشش: یوسف الهی، شهرام قلی‌پور گودرزی

نوبت و تاریخ چاپ: اول، ۱۴۰۰ ش / شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه / انتشارات: اکسیر قلم (بابل)

طرح جلد: رویا نصیری / حروف نگاری: طرح و نشر (بابل) / قیمت: ۷۵۰۰۰ تومان

تألیف

بابل، خیابان مدرس، رسولی ۲۴ (ماکان سابق)

نرسیده به بنیاد علمی حریری، نبش ابن سینا ۶

۰۹۱۱۲۱۷۰۸۵۰

۰۱۱۳۲۳۲۵۹۴۹

Email: exirpub@yahoo.com www.exireghalam.ir

@exireghalam_pub

فهرست :

دیاچه/۷

سروده‌ها/۲۱

پیوست نخست: یادگار-سروده‌ها / ۱۵۱

پیوست دوم: به یاد شاعر سنگ‌حالی / ۱۶۹

پیوست سوم: واژه‌نامه / ۱۷۵

منابع / ۱۸۳

www.ketab.ir

دیباچه

ادبیات شفاهی

ادبیات شفاهی شامل داستان‌های عامیانه‌ی منشور و منظوم، ضرب‌المثل، چیستان‌ها، ترانه‌ها و... است. ترانه‌های عامیانه بخشی از ادبیات شفاهی و هنر عوام به شمار آمده و شامل کلامی موزون و شاعرانه هستند که در قالب‌های بازتری از شعر عروضی سروده می‌شوند. این اشعار را که به گویش‌های محلی بوده، قهلوئیات می‌گفته‌اند. اشعار و ترانه‌های عامیانه اشعاری هستند که سرایندگان آن‌ها با کمترین آگاهی از اصول، قواعد و قالب‌های شعری سروده و در حالات و مناسبت‌های مختلف زندگی بر زبان جاری ساخته‌اند. وزن بسیاری از این اشعار مطابق با اوزان عروضی نیست، اما با طرز خواندن و تکیه بر برخی از هجاها می‌توان آن‌ها را موزون کرد. اشعار عامیانه متأخرتر متأثر از ادبیات سنتی است و وزن عروضی دارد. قالب برخی از ترانه‌های عامیانه نیز مطابق با هیچ‌یک از قالب‌های شعر رسمی نیست، بلکه ساده و ایرانی است. قالب دوبیتی بیش از قالب‌های دیگر در اشعار عامیانه کاربرد دارد. برخی از اشعار متأخر نیز به قالب‌های غزل و قصیده است. این اشعار را با آهنگ‌های خاص و همراه با موسیقی و دوبیتی‌ها را بیشتر با آواز دشتی و در گوشه‌ی بختیاری می‌خوانند که سرایندگان بیشترشان معلوم نیستند اما گاه نام برخی از آنان در دوبیتی‌ها آمده است. این نوع ترانه‌های عامیانه عاری از تشبیه‌ها و استعاره‌های پیچیده و هرگونه تصنع و گویای احساسات و افکار عامیانه است. در بسیاری از آن‌ها زبان عامیانه و واژگان محلی به کار رفته است. مضمون بیشتر ترانه‌های عامیانه‌ی عاشقانه و در وصف

معشوق، طلب وصال او یا گله از هجران است. بسیاری نیز نشانی از زندگی روستایی و عشایری دارد، چنان‌که در آن‌ها از دشت و بیابان و سبزه و چشمه سخن گفته شده است. در برخی با سوزی خاص سخن از دوری وطن و فراق یار و خویشان است. برخی هم هجو و شوخی و مطایبه است و پاره‌ای از آن‌ها حکایتی را نقل می‌کند. برخی از این اشعار در واقع مناظره یا گفتگوی عاشقانه و دوستانه میان دو تن است. پاره‌ای از تصنیف‌های عامیانه در پی یک واقعه‌ی تاریخی ساخته شده و به زبان مردم خوانده شده است. کهن‌ترین ابیاتی که به زبان فارسی باقی مانده از همین نوع است. در بسیاری از اشعار عامیانه نام قهرمانان ناشناس محلی باقی مانده است، از جمله ترانه‌هایی که در مازندران در بازه‌ی طالب، نجم، امیر و گوهر مشهور است. ترانه‌های طبری در زمره‌ی میراث ادبی و فولکلوریک ایرانی است؛ و دنباله‌ی سنت شعری فهلویات قدیم بوده است؛ سنتی که خود بازمانده‌ی سنت گوسانی با خنیاگری ایران در دوره‌ی میانه (دوران اشکانی و ساسانی) است.

ترانه‌های عامیانه، بیانگر وضع تاریخی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی این مردم هستند که در شرایط مختلف زندگی توسط مردم عادی آفریده و سروده شده‌اند. با مطالعه‌ی دقیق در این ترانه‌ها به راحتی می‌توان به باورها و عقاید و هنجارهای اجتماعی فرهنگی این قوم دست یافت این ترانه‌ها بسان آینه‌ی تمام‌نمایی هستند که تصویری از وضعیت دینی، اعتقادی، فرهنگی و زندگی مردم را از گذشته در برابر دیدگان ما قرار می‌دهد و این حقیقت را برای ما بیان می‌دارد که نیاکان ما به پدیده‌های پیرامون خود با چه ژرف‌اندیشی نگرسته و آنها را چه زیبا و عالمانه در گفتار و کلام موزون خود به کار گرفته‌اند. واژه‌هایی که در اشعار و ترانه‌های خود به کار برده‌اند؛ برگرفته

از زندگی روزمره و طبیعت پیرامون آنهاست که ماهرانه و دقیق در ترانه‌ها و اشعار آنها نمود پیدا کرده‌اند.

ادبیات بومی، اثر مردمی ساده و بی‌پیرایه و اغلب کم‌سواد و بی‌سواد می‌باشد. این ادبیات از جهت ساختار و محتوا با ادبیات رسمی فارسی متفاوت است. این نوع ادبیات در قالب شعر، داستان، مثل، لطیفه و ... در نقاط مختلف ایران با گویش‌های گوناگون از گذشته تا به امروز در جریان بوده و بزرگان بسیاری از جمله شرفشاه در گیلان، امیر پازواری در مازندران، فایز دشتستانی در جنوب و بسیاری دیگر در این عرصه به ناموری رسیده‌اند. زبان ساده، لحن عامیانه، حالات و اندیشه‌های عوام در این ادبیات نمایان است. ادبیات عامیانه، ارزش و اعتبار خود را از پیوندی که با جامعه و واقعیت‌ها دارد، دریافت می‌کند؛ نه از جنبه‌ی هنری و زیباشناسی. به عبارت دیگر مسئله‌ی اساسی در ادبیات عامیانه ویژگی‌های اجتماعی آن است نه ویژگی‌های هنری.

ویژگی‌های اجتماعی ادبیات عامیانه:

۱) ادبیات عامیانه در طول تاریخ در کنار ادبیات رسمی و کلاسیک به صورتی ساده و آرام جریان داشته‌است ولی در کتاب‌های تاریخ ادبیات به ندرت نامی از آنها به میان می‌آید. زیرا ادبیات عامیانه تعلق به عوام و توده‌ی مردم دارد که آنها نیز یا توان نوشتن نداشتند و یا سلاطین و صاحبان قدرت به دلیل کم‌ارزش دانستن آن امکان و اختیار این کار را از آنان سلب می‌کردند.

۲) ادبیات عامیانه ادامه‌ی کار و فعالیت و زندگی مردم است. بنابراین جنبه‌ی تفریحی و تجملی ندارد. بلکه مکمل عمل و وسیله‌ای برای ارتقاء زندگی محسوب می‌شود.